

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار وقتتون بخیر: اگر ممکنه نظرتون رو در مورد اغتشاشات اخیر بفرمایید و به مساله ديگه اينه که استاد، بعد از طرفداری رهبری از طرح افزایش بنزین جو خیلی بدی نسبت به رهبری ایجاد شده و بد و بیراه میگن به ایشون و دولت رو ول کردن و دشمن رهبری شدن، حتی بعضی از انقلابی و ولایی ها هم انتقاد کردن از دفاع رهبری و این بخش از صحبت ایشون که فرمودن: بنده متخصص نیستم، میگن همه افراد عادی میدونستن که این طرح خوبی نیست و در این وضعیت معیشتی بار تازه ای بر دوش اقتصاد مردم اضافه شده، پس چه جوری رهبری این رو نمیدونستن؟ و میگن رهبری به فکر مردم نیستن، اگر ممکنه این شبهات رو جواب بفرمایید و اینکه چه جوری و با چه استدلالی در این مورد ذهن مردم رو نسبت به رهبری اصلاح کنیم؟ تشکر استاد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جواب سؤال‌های شماره‌ی ۲۵۶۰۴ و ۲۵۶۱۱ نکاتی را برای رفقا متذکر می‌شود. متوجه باشید که بالاخره وضع مصرف بنزین ما اگر همچنان ادامه پیدا می‌کند، سال‌های آینده باید بنزین وارد می‌کردیم، در حالی که با نخریدن بنزین ما، دلاری برای وارد کردن بنزین نداشتیم. چاره ای نبود که چنین تصمیمی گرفته می‌شد. در روش، چندان موفق نبودیم. آقای دکتر سعدالله زارعی در کیهان امروز نکته‌ای تحت عنوان «غائله‌ی مغلوب» داشته‌اند. عین متن خدمتتان ارسال می‌شود: موفق باشید

غائله مغلوب (یادداشت روز) اغتشاشات اخیر کشور پس از آنکه دولت نرخ‌های جدید بنزین را اعلام کرد که از افزایش بین ۵۰ تا ۳۰۰ درصد خبر می‌داد، دارای نکات فراوانی است و بررسی آن‌ها می‌تواند در شرایط و وضعیت ایران مؤثر باشد. حجم خسارت‌ها و آسیب‌هایی که وارد شد و اقدامات جدیدی که از سوی دشمنان کشور و مردم به اجرا گذاشته شد، موضعگیری نسبتاً متفاوت برخی جریان‌ها و افراد داخلی و در نهایت نحوه مدیریت نظام برای کاهش خسارت‌ها و آسیب‌ها از جمله مواردی هستند که باید مورد بررسی قرار گیرند: ۱. میزان مصرف بنزین در کشور و هزینه‌های «بسیار سنگینی» که از این ناحیه بر بودجه عمومی- ارزی و ریالی- دولت وارد می‌کند، به گونه‌ای بود که تغییر جدی و اساسی در آن را ضروری می‌نمود. مصرف روزانه حدود ۱۰۰ میلیون لیتر بنزین در کشور که روندی رو به

افزایش هم نشان می‌داد، حدود ۵۰۰ میلیارد تومان در روز و حدود ۱۸۲۵ هزار میلیارد تومان در سال بود. در این میان یک چهارم این مبلغ از شهروندان گرفته می‌شد و بقیه از جیب همه مردم می‌رفت و به واسطه فشاری که بر بودجه دولت وارد می‌کرد، دولت را مستأصل کرده بود. در این میان نه این حجم مصرف قابل قبول بود و نه حجم یارانه‌ای که بابت آن هزینه می‌شد. در این بین منطق دولت این بود که با اصلاح نسبی قیمت بنزین می‌توانم زمینه انجام خدماتی که به آن متعهد هستم، فراهم کنم و هم می‌توانم با صادرات بنزین ناشی از کاهش مصرف، بخش قابل توجهی از نیاز ارزی‌ام را تأمین کنم، ضمن آنکه متعهد می‌شوم که این افزایش نرخ بنزین روی سایر کالاها و از جمله فرآورده‌های دیگر نفتی اثرنگذارد. این منطق بطور طبیعی در جلسه مشترک سران قوا به تصویب رسید که از یک سو دربردارنده منافع مردم و از سوی دیگر تأمین کننده نیاز دولت بود. در این بین، دولت محترم به گمان اینکه با مطرح شدن پیش از اقدام افزایش قیمت بنزین قادر به مهار آثار روانی آن بر بازار نیست و با واکنش تند اجتماعی هم پیش از اعلام نهایی مواجه شده و برای کنار گذاشتن جمع‌بندی تحت فشار شدید قرار گرفته و تصمیم را با تزلزل مواجه می‌گرداند، رویه «کتمان» و سپس «غافلگیری» را در پیش گرفت! این جمع‌بندی مردان دولت هر چند چندان بلاوجه هم نبود، اما از دقت و همه جانبه‌نگری هم بهره‌ای نداشت. چرا که از یک سو ذات جمهوری اسلامی، ذات بیان است نه کتمان و در طول این سال‌ها، نظام با بیان صادقانه توانسته است بسیاری از مسایل را با کمک مردم حل کند که اگر غیر از این بود، نوعاً قادر به حل آن‌ها نبود. از سوی دیگر تصمیم به این مهمی که تقریباً زندگی همه مردم را در شئون مختلف- و نه فقط حمل و نقل- تحت تأثیر قرار می‌داد و در واقع طرف اصلی ماجرا مردم بودند، در عمل نمی‌توانست بدون متقاعد کردن آنان به اجرا گذاشته شود. براین اساس اعلام تصمیم دولت در روز جمعه با بهت عمومی و اعتراض و نگرانی شدید مردم مواجه گردید و فضا را برای شکل‌گیری اعتراضات فراهم کرد و کاملاً پیش‌بینی می‌شد که دشمنان ایران که در جریان مسایل دی ماه ۱۳۹۶ نتوانسته بودند برنامه خود در شکل‌دهی به اغتشاشات عمومی در ایران را به جایی برسانند و از این رو ناگزیر به شکل‌دهی گروه‌های آموزش دیده و مسلح روی آورده و در این حدود دو سال بطور جدی کارکرده بودند، از این فرصت استفاده کنند. ترکیب اعتراضات طبیعی مردم و برنامه منسجم دشمن برای به دست گرفتن اوضاع کار را سخت می‌کرد و در دو روز اول تخریب زیادی را پدید آورد و میزان تلفات را به نسبت رویدادهای مشابه افزایش داد.

کمی بعد با موضع‌گیری روز شنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی- دامت برکاته- مردم از اغتشاشگران تروریست فاصله گرفتند و کار نیروهای انتظامی و امنیتی برای مهار حرکت تروریست‌ها آسان گردید. در این میان تعداد زیادی از آنان توسط سه دستگاه مسئول کشور دستگیر شدند و در واقع ضمن سوار شدن بر روند اوضاع توانستند سرمایه‌های هنگفت آمریکا و... را برباد بدهند.

۲. حوادث چندی در کشور پدید آمده بود که خبر از برنامه‌ریزی سرویس‌های اطلاعاتی در ایران می‌داد. در این چند سال بعضی از گروهک‌هایی که واقعا به آخر خط رسیده و مضمحل شده بودند، بازسازی

شدند که یک نمونه آن حادثه حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی و حادثه دیگر آن قضایای سال پیش یکی از خیابان‌های فرعی منطقه پاسداران تهران بود. بعضی گروهک‌های تروریستی هم نوپدید بودند که از سوی بعضی از رژیم‌های فاسد عربی مدیریت می‌شدند. روند حرکت آنان در هفته‌ای که پشت سر گذاشتیم نشان داد که این ظرفیت سازماندهی شده، یک جا به خدمت گرفته شده‌اند و حوادث روی داده در متن این اغتشاشات نشان می‌دهد که ماجرا به نیروهای کف آشوب‌ها محدود نبوده است. استفاده از سلاح‌های گرم و سرد در این آشوب‌ها یک راهبرد بود که از سوی کسانی که در ساختمان‌های اطراف نقاط آشوب به وسیله تک تیراندازها پشتیبانی می‌شدند تعداد قابل توجهی از کشته‌ها نه از جلو بلکه از عقب و در فاصله نسبتاً دور مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند و این نشان می‌دهد، در این صحنه «کشته‌سازی» و به هم ریختن اعصاب مردم و نیروهای انتظامی و امنیتی به عنوان راهی برای گسترش اغتشاش و منفعل کردن نیروهای مسئول مدنظر بوده است. تلاش برای گسترش تخریب، یک روی مسئله بوده است. بستن اتوبان‌ها و راه‌های اصلی در استان‌هایی که درگیر این آشوب‌ها بودند، حمله به بانک‌ها و سایر مراکز خدمات عمومی و کشاندن دامنه تخریب به خانه‌های مردم برای عمق بخشیدن به اغتشاشات و ناامید کردن مردم و به خصوص نیروهای مدافع امنیت صورت گرفت. البته در این میان بعضی از طراحی‌های سران خارجی تروریسم مثل حمله به زیرساخت‌های مخابراتی در شیراز و اصفهان که لااقل ۲۰ استان کشور را پوشش مخابراتی می‌دادند و نیز حمله به انبار اصلی مایحتاج عمومی کشور که مواد غذایی، دارویی و... سالانه کشور نگهداری می‌کرد، با رشادت نیروهای مدافع امنیت کشور ناکام گذاشته شد.

در نهایت در روزهای اول هفته گذشته، ما شاهد «دوئل امنیتی» نیروهای انقلاب و معاندان داخلی و خارجی بودیم که غلبه سریع و شوق‌انگیز نیروهای انتظامی و امنیتی بر برنامه‌ریزی و ساماندهی پیچیده دشمنان و معاندان نشان داد، ایران و جمهوری اسلامی علی‌رغم مواجهه بودن با توطئه‌های پیچیده، از اقتدار بسیار بالایی برخوردار است. در این میان یک نکته مهم که از چشم ناظران پنهان ماند، اقتدار ایران در حفظ ارتباطات داخلی بین بانکی و... بود که دشمن را وادار به اعتراف کرد. آمریکایی‌ها و... گمان می‌کردند ایران در مواجهه با اینترنت با بن‌بست مواجه است چراکه اگر آن را باز بگذارد، خدمت بسیار ویژه‌ای به مخالفان و اجرای برنامه‌های دشمنان خود کرده است و اگر اینترنت را مسدود نماید ارائه خدمات بانکی و... آن بهم می‌ریزد و کشور مختل می‌گردد که خود این به معنای تن دادن به سطحی از فروپاشی است. اینها توجه نداشتند که در طول این سال‌ها ایران در کنار اینترنت به یک زیرساخت مخابراتی در داخل رسیده و می‌تواند سیستم‌های حساس خود را روی آن سوار کرده و از آسیب‌های قطع اینترنت مصون بماند. این سبب عصبانیت شدید آمریکا، اروپا و... گردید و در عین حال یک درس هم برای کشور بود که برای بومی‌سازی اینترنت عمومی نیز وارد عمل گردد. ۳. یکی از جنبه‌های مهم و قابل تحلیل در مقوله افزایش قیمت بنزین و حوادث پس از آن، موضع‌گیری امام خامنه‌ای «دامت برکاته» بود و البته مثل بسیاری از موارد دیگر، گذشت زمان عمق

این موضع‌گیری را بیش از حالا نشان خواهد داد.

مواضع رهبر معظم انقلاب اسلامی در دوره حضرت امام خمینی - قدس سره- و در دوره حضرت امام خامنه‌ای -دامت برکاته- همیشه دو جنبه را پوشش داده است؛ یک جنبه آن «ایدئولوژیک» بوده به این معنا که معظم‌لهما به‌عنوان سنگربان نظام فکری اسلام و اصول آن در مواجهه با رخدادها بوده‌اند و جنبه دیگر آن «مصلح» مردم بوده است که نوعاً در قاعده «عدالت اجتماعی» جلوه‌گر بوده است. مردم نیز همواره از معظم‌لهما همین دو انتظار را داشته‌اند و مقتضای رهبری توأمان دینی و دنیوی مردم هم جز این نیست. در این صحنه، رهبری با هدررفت سرمایه ملی از یک سو و برنامه ارائه شده از سوی دولت و سپس سران سه قوه برای مهار این معطل‌مواجه بود. در عین حال کاملاً پیدا بود که اجرای برنامه دولت ولو به‌صورت موقت فشار سنگینی را بر مردم وارد می‌کند و دفاع از چنین برنامه‌ای برای رهبری «هزینه» جدی دارد و البته حفظ و جاهت رهبری بزرگترین سرمایه کشور و پشتوانه اداره آن می‌باشد و یک واجب بزرگ به حساب می‌آید و بر این اساس حضرت امام می‌فرمودند «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به کشور شما آسیبی وارد نشود».

با توجه به حساسیت بالای این موضوع، بعضی‌ها توصیه‌هایی داشتند که این توصیه‌ها در نهایت ناظر به جداشدن حساب رهبری از حساب این تصمیم‌گیری بود. در این صحنه رهبری معظم انقلاب اسلامی با چند گزینه مواجه بودند؛ مخالفت با طرح دولت و مصوبه سران قوا، سکوت در مقابل طرح، گرفتن موضعی دوپهلوی که مسئولیت را متوجه او نکند، اما امر دادن کاملاً مسئولیت به سران قوا و کنار کشیدن از صف قوا و در نهایت اعلام صریح پشتیبانی از تصمیم دولت و سران قوا به نحو مشروط که رهبر معظم انقلاب، راه پنجم را انتخاب کردند. درخصوص تحلیل این موضوع باید به نکته‌هایی توجه کرد:

- واقعیت این است که ادامه روند کنونی هدررفت سرمایه ملی به مصلحت کشور نیست و رهبری نظام نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد و در اینجا ترجیح حفظ و جاحت بر مصلحت کشور معنا و مفهومی ندارد و در قاموس رهبر معظم انقلاب نیست که اینچنین چیزی در قاموس حضرت امام- روحی له‌الفداه- هم نبود؛

- پیامدهای سنگین طرح دولت به‌گونه‌ای نبود که بدون حمایت قاطع رهبر معظم از آن، به جایی برسد. مسلماً بدون پشتیبانی رهبری، حتی اگر دولت طرح را اعلام و شروع به اجرا می‌کرد، قادر به ادامه راه نبود و طرح به شکست می‌انجامید و خسارت هنگفت هدررفت سرمایه کشور استمرار می‌یافت؛

- در صورتی که رهبری از طرح اصلاح نرخ بنزین به صورتی که ذکر آن رفت، حمایت نمی‌کرد هم مردم

و هم مسئولین دچار دودستگی شدید می‌شدند. با عدم حمایت رهبری حتماً پدیده‌هایی در مجلس شکل می‌گرفت که در روزهای اول در قالب استعفای برخی از نمایندگان و ارائه طرح استیضاح رئیس‌مجلس و استیضاح رئیس‌جمهور از سوی برخی دیگر شکل هم گرفت و این سبب بگو مگوی زیاد میان مسئولین کشور می‌گردید. از سوی دیگر عدم موضع‌گیری صریح رهبری در حمایت از طرح، بخش زیادی از مردم ارادتمند ایشان را که فقط به یک جنبه ماجرا توجه داشتند هم به صحنه اعتراضات می‌کشاند و طرح اصلاح قیمت بنزین عملاً از بین می‌رفت و از آن پس این دولت جرأت نمی‌کرد در هیچ زمینه اصلاحی دیگر که کشور به آن نیاز داشت، پا پیش بگذارد و این یعنی عملاً کشور قفل می‌شد! موضع‌گیری صریح رهبری سبب شد ضمن حفظ وحدت درونی نظام، وحدت مردم نیز تأمین شود و دولت هم فرصت پیدا کند تا برای جنبه‌های نگران‌کننده طرح افزایش قیمت بنزین فکر کند این در حالی بود که برخی از خناسان آماده بودند تا پس از مخالفت رهبری بر طبل بسته بودن دست دولت بکوبند و فریاد وا دولت سر دهند.

در واقع موضع‌گیری صریح رهبری سبب شد تا از یک سو، دولت بحران ناشی از تصمیم اخیر- که از جنبه‌هایی قابل نقد هم هست- پشت سر بگذارد و خود را برای بخش دوم ماجرا که مدیریت قیمت‌هاست آماده کند.-

موضع‌گیری رهبری سبب جدا افتادن اعتراضات طبیعی مردم از توطئه‌های بسیار پیچیده خارجی گردید. سخنان روز شنبه رهبری تکلیف دو دسته را معین کرد یکی تکلیف مردم در جدا کردن صف خود از معارضین و هوشیاری آنان و دوم تکلیف نیروهای انتظامی و امنیتی در تردید نکردن در مواجهه با طراحی پیچیده دشمن. و از این رو بود که این توطئه در زمان بسیار کوتاهی مهار گردید و حجم خسارات- که دشمن تخریب حداکثری را مدنظر داشت- به شدت کاهش پیدا کرد.

رهبری در این صحنه به وظیفه خود به درستی عمل کرد و خدا خود او را محافظت می‌فرماید. **سعدالله زارعی**